

مدرنیت برای ترمیم مشکلاتش معنویت بدون دین را مطرح می‌کند

خسروپناه در برنامه شب آسمانی گفت: مدرنیت سعی کرد با معنویتی مانند عرفان‌های نوپدید مشکلات خود را ترمیم کند اما بدون خدا و توحید نمی‌توان مشکلات مدرنیت را برطرف کرد.

خسروپناه در برنامه شب آسمانی گفت: مدرنیت سعی کرد با معنویتی مانند عرفان‌های نوپدید مشکلات خود را ترمیم کند اما بدون خدا و توحید نمی‌توان مشکلات مدرنیت را برطرف کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه در برنامه شب آسمانی شبکه قرآن و معارف سیما که شب گذشته با موضوع دین و مدرنیت از این شبکه بر روی آنتن رسانه ملی رفت گفت: از اوایل قرن 16 بود که شاهد جریان مدرنیت شدیم، هرچند زمینه‌های جریان مدرنیت از قبل از آن نیز ایجاد شده بود. حقیقت مدرنیت را دکارت معرفی کرده بود و کانت و هگل آن را تکمیل کردند و گفتند که مدرنیت عقلانیت خودبنیاد است.

وی تصریح کرد: عقلانیت خودبنیاد یعنی انسان آن چه که می‌شناسد و آن چه که باید انجام بدهد فقط به عقل خودبنیاد خودش تکیه کند حالا این ممکن است تجربه یا عقل استدلال‌گر باشد و یا ترکیبی از عقل و تجربه باشد.

خسروپناه با بیان این مطلب که مسأله مدرنیت از غرب پدید آمده است بیان داشت: در غرب قرون وسطی مسیحیتی حاکم بود که ایمان‌گرا بودند و اصالت را برای ایمان قائل بودند به این معنا که می‌گفتند ما ایمان می‌آوریم تا بفهمیم. یعنی عقلانیت را در درجه دوم و در حاشیه می‌دانستند. در حقیقت در آن زمان ایمان را بر عقل و فهم مقدم می‌دانستند، بنابراین رنسانس که اتفاق افتاد این معادله برعکس شد به این معنا که پس از آن گفتند من می‌فهمم تا شاید ایمان بیاورم.

این استاد فلسفه اظهار داشت: برخلاف مسیحیت، اسلام هیچ موقع نمی‌گوید ایمان بیاورم تا بفهمم بلکه اسلام معتقد است که من می‌فهمم تا ایمان بیاورم یعنی تقدم عقل مخصوصا در اسلام شیعی بر ایمان، اصل مسلم است. بنابراین اسلام منکر عقل مسلم نیست اما در کنار آن و بعد از عقل یک منبع معرفتی دیگر به نام وحی را نیز می‌پذیرد.

وی تأکید کرد: مدرنیت دقیقا مقابل کلیسای قرون وسطی بود، اما بعد از آن از میان مذاهب مسیحیت، پروتستان‌ها با مدرنیت راحت‌تر کنار آمدند تا کاتولیک‌ها و مخصوصا ارتدوکسی‌ها.

وی افزود: بخش اعظمی از پروتستان‌ها با مدرنیت کاملا آشتی کردند و هر جا که می‌دیدند فهمشان از دین با مدرنیت نمی‌سازد آن فهم را تغییر می‌دادند. اما این گونه آشتی را نمی‌توان به کاتولیک‌ها نسبت داد زیرا در بسیاری از موارد منتقد مدرنیت است و در جایی هم اگر احساس کند که مدرنیت با کرامات انسانی در تعارض است آن را نقد می‌کند.

خسروپناه تصریح کرد: ما می‌توانیم نسبتمان را با مدرنیت به شکل 4 فرض قابل تصور مطرح کنیم که این 4 فرض این است که یا مدرنیت ستیز باشیم به این معنا که کل مدرنیت را رد کنیم و یا مدرنیت پذیر باشیم یعنی همه موارد مدرنیت را بپذیریم و مورد سوم این که مدرنیت گریز باشیم به این مفهوم که ما حرف خودمان را بزنیم و مدرنیت هم حرف خودش را.

وی ادامه داد: فرض چهارم نیز این است که مدرنیت گزین باشیم یعنی به مدرنیت نگاه گزینشی داشته باشیم. نظر اکثر متفکران اسلامی نیز از جمله علامه طباطبایی و شهید مطهری این است که باید مدرنیت گزین باشیم زیرا برخی از ابزار صنعت ممکن است تباه‌کننده باشد.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران گفت: در برخی از کشورهای اسلامی که بسیار مدعی مدرنیت هستند، اگر در یک همایش شرکت کنی می‌بینی که تمام سالن را با مهم‌ترین دست‌آوردهای مدرنیت پر کرده‌اند به طوری که ممکن است چنین همایشی در غرب در سالنی بسیار ساده برگزار شود اما نشست‌های علمی بسیار عمیق‌تری هم در آن برگزار شود. کشورهای اسلامی این چینی تنها از دست‌آوردهای مدرنیت استفاده می‌کنند و در حقیقت تنها مصرف‌کننده هستند و هیچ گونه جهش و تولیدی ندارند.

وی اضافه کرد: امروزه در مدرنیت بر اساس همان عقلانیت خود بنیاد مقوله‌ای به نام اخلاق را در کنار تکنولوژی می‌گذارند. مثلا می‌گویند اخلاق حرفه‌ای، اخلاق تکنولوژی و ... حتی در بیست و چند سال اخیر نیز مقوله جدیدی را مطرح کردند به نام معنویت.

وی افزود: در واقع آن‌ها چون دریافته‌اند که عقلانیت خودبنیاد مشکل ایجاد کرده است برای این که این عقل خودبنیاد خود مشکلش را ترمیم کند از این بحث معنویت استفاده می‌کند. البته آن‌ها معنویت بدون دین را مطرح می‌کنند یعنی نمی‌خواهند به دینی مانند قرون وسطی که ایمان‌گرا بوده است پناه ببرند زیرا از این دین، ایمان‌گرایی در ذهن دارند که عقل را به حاشیه کشانده است.

خسروپناه تأکید کرد: انسان معاصر وقتی دید که با تکنولوژی آرامش را از دست داده است، سعی می‌کند با عقلانیت خودبنیاد، معنویتی را هم که در آن آرامش وجود دارد ایجاد کند. در واقع در غرب ایمان در مقابل عقل قرار دارد و این دقیقا خلاف اسلام است.

وی بیان داشت: در حقیقت بعد از جنگ جهانی دوم و به خصوص بعد از حمله آمریکا به ژاپن و بمب اتمی‌اش بشر دید آن مدرنیت و تکنولوژی که فکر می‌کرد با آن بتواند زمین را بهشت کند نه تنها نتوانسته آن چیزی را که او در ذهن دارد محقق کند

بلکه جهنمی ایجاد کرده است، بنابراین به فکر افتادند تا این مدرنیته را به نحوی کنترل کنند و این بود که جاهایی مانند سازمان بین الملل را درست کردند.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران اظهار داشت: زمانی که در مدرنیته معنویت مطرح شد، مقصودشان از این معنویت تنها آرامش بود تا بشر آتش جهنمی را که به دست خود درست کرده کم کند لذا صدها و هزاران عرفان‌های نوپدید را ایجاد کردند اما باز هم این نتیجه نداد به طوری که می بینیم جنگ هایی که بعد از تشکیل سازمان بین‌الملل شکل گرفته است بسیار بیشتر از جریاناتی است که قبل از آن شکل گرفته بود.

وی در پایان سخنانش تصریح کرد: این معنویت‌ها صرفاً برای آرامش و یا کنترل موقتی مدرنیته بود. وقتی خدا و توحید کنار برود مدرنیته با اخلاق و معنویت هم نمی‌تواند خودش را ترمیم کند لذا توحید مسأله اصلی است البته این توحید تنها به حرف و این که خدا یکی است نباید باشد بلکه باید به بطن زندگی مردم وارد شود.